



The Right to Peace: A Comparative Study of the Components of Peace-Seeking in the Constitution of the Islamic Republic of Iran and the Universal Declaration of Human Rights

Jamil Milani¹ 

I- Researcher and PhD student in Public Law, Science and Research Branch. Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Milanijamil@gmail.com

Date received: 2026/02/19

Date revised: 2026/04/06

Date accepted: 2026/04/09

Doi: 10.22034/ipsan.2026.587574.1020

Dor: 20.1001.1.31160719.1405.2.1.2.2

Extended Abstract Introduction

Peace has been an important and key concept in human societies since ancient times. Peace was originally interpreted as the absence of war and violence, but today, the enjoyment of many fundamental rights and freedoms and the observance of human rights are considered as indicators of peace. The right to peace is also considered a fundamental right. National and international treaties and documents have always emphasized peace and peacemaking. The constitutional texts of countries should not be indifferent to this essential need, just as international documents such as the Universal Declaration of Human Rights have also considered it important and respected the right to peace—and the pursuit thereof—is defined as a fundamental and inalienable human right; beyond merely striving to establish peace, individuals possess the right to live in a world and an environment free from violence and characterized by peace. From this perspective, fostering a peaceful environment is a collective responsibility, though naturally, a greater obligation rests upon governments as well as national and international institutions. The right to peace is recognized in contemporary international legal discourse not merely as a human aspiration, but as a legal obligation. Rooted in the innate human desire for a life free from fear and want, this right encompasses both negative dimensions (the right to be free from conflict) and positive dimensions (the right to the conditions necessary for development and dignity).

Methodology

The present study aims to examine and compare the right to peace and the components of a commitment to peace within two significant documents: the Constitution of Iran (as a national document) and the Universal Declaration of Human Rights (as an international document). Employing a descriptive-analytical method and drawing upon library and online resources as well as the texts of the documents themselves, the study seeks to

answer the question: What are the similarities and differences between these two documents regarding the concept of peace?

Results and Discussion

An examination of the provisions of both documents reveals a certain convergence in their texts regarding the right to peace, with both emphasizing peace across their identified components. A comparative analysis of their peace-oriented elements demonstrates that both documents provide a solid foundation for achieving peace; the Constitution of the Islamic Republic of Iran defines peace within the framework of religious identity, distributive justice, and the strengthening of domestic structures, whereas the Declaration offers a global, liberal framework for positive peace rooted in individual rights. Thus, while both documents are committed to negative peace and the absence of war, the fundamental difference regarding the realization and guarantee of the components of positive peace stems from the differing paradigms governing each document. Participation under Iranian law is ideology-driven, whereas in the Declaration, it is absolute. Similarly, freedoms in Iran are conditional upon non-contradiction with Sharia, the law, and public order—a perspective not shared by the Declaration. Justice in the Constitution is grounded in religion, with its establishment viewed as a form of religious and transcendent obligation, whereas the Declaration emphasizes the equality of individuals—regardless of race, gender, or other factors—from a human-centric and secular perspective. The Declaration's emphasis on individual security—viewed as an inherent right—and human well-being differs from the Constitution's focus on national security and economic prosperity. The most significant divergence between the two documents appears in the realm of minority and women's rights; although the Constitution acknowledges the protection of these groups' rights, it does not reflect the absolute gender and racial equality championed by the Declaration, and certain citizens are deprived of specific rights based on their religion, sect, or gender.

Conclusion

The Constitution of the Islamic Republic of Iran and the Universal Declaration of Human Rights—as two reference documents at the national and international levels, respectively—contain numerous principles that can be regarded as components of a commitment to peace. However, grasping the paradigmatic differences between these two documents requires a precise analysis of these peace-oriented components in light of the theoretical approach adopted by each. While acknowledging the differences in the content of the two documents, it appears that common elements can be identified—elements whose consideration could foster a better understanding and improvement of the state of peace. Research findings indicate that both documents possess strong foundations for achieving peace; however, fundamental differences exist regarding the prioritization and enforcement mechanisms for certain components of positive peace, stemming from the prevailing ideology of each document.

Keywords

Pacifism, Right to Peace, Constitution, Universal Declaration of Human Rights, Positive and Negative Peace.



حق بر صلح: بررسی تطبیقی شاخص‌های حق بر صلح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر

جمیل میلانی^۱ ID

۱- پژوهشگر و دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ایمیل:

Milanijamil@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

Doi:10.22034/ipsan.2026.587574.1020

Dor:20.1001.1.31160719.1405.2.1.2.2

چکیده

صلح یک مفهوم مهم و کلیدی در جوامع بشری از دیرباز تا کنون بوده است. صلح ابتدا به معنی عدم وجود جنگ و خشونت تعبیر می‌شد اما امروزه برخورداری از بسیاری از حقوق و آزادی‌های اساسی و رعایت حقوق بشر به عنوان شاخصه‌های صلح‌خواهی محسوب می‌شوند. حق بر صلح نیز به عنوان یک حق اساسی مطرح می‌گردد. در معاهدات و اسناد ملی و بین‌المللی همواره بر صلح و صلح‌خواهی تاکید شده است. متون قانون اساسی کشورها نباید نسبت این نیاز ضروری بی‌تفاوت باشند همان‌گونه که اسناد بین‌المللی مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آن را مهم و محترم شمرده‌اند.

نوشتار پیش رو در پی بررسی و مقایسه حق بر صلح و مؤلفه‌های صلح‌خواهی در دو سند مهم قانون اساسی ایران به عنوان یک سند ملی و اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک سند بین‌المللی می‌باشد و با استفاده از روش تطبیقی و سندپژوهی مبتنی بر مطالعه و تجزیه و تحلیل دو سند اصلی و بهره گرفتن از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، در پی پاسخ به این سوال است که دو سند مذکور چه اشتراکات و تفاوت‌هایی در نگاه به مقوله صلح با هم دارند؟ به نظر می‌رسد ضمن توجه به تفاوت‌ها در محتوای دو سند می‌توان موارد مشترکی را در این زمینه یافت که توجه به آنها می‌تواند به شناخت بهتر و بهبود وضعیت صلح کمک نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر دو سند دارای بنیان‌های قوی برای تحقق صلح هستند، اما در نحوه اولویت‌بندی و تضمین اجرایی برخی از مؤلفه‌های صلح مثبت، تفاوت‌هایی بنیادین وجود دارد که ناشی از ایدئولوژی حاکم بر هر سند است.

واژگان کلیدی: صلح‌خواهی، حق بر صلح، قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، صلح مثبت و منفی.

۱. مقدمه و طرح مسئله

صلح نیاز ضروری امروز بشریت است و به‌عنوان گم‌شده‌ای انسان معاصر در پی یافتن آن است. به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین نیاز جهان معاصر نیز هست. لذا شناخت آن و مؤلفه‌های موثر بر آن امری ضروری است. حق بر داشتن صلح و صلح‌خواهی هم به‌عنوان یک حق مسلم و اساسی انسانی تعریف می‌شود که انسان‌ها علاوه بر آنکه در پی ایجاد صلح هستند، حق دارند در یک فضا و جهانی عاری از خشونت و برخورد از صلح زندگی کنند که در این نگاه می‌توان گفت ایجاد فضای صلح‌آمیز یک وظیفه همگانی است که طبیعی است وظیفه دولت‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی بیشتر است. حق بر صلح، نه تنها به‌عنوان یک آرمان بشری، بلکه به‌عنوان یک الزام حقوقی در ادبیات حقوق بین‌الملل معاصر مورد پذیرش قرار گرفته است. این حق، که ریشه در میل فطری انسان به زندگی دور از ترس و نیاز دارد، دارای ابعاد سلبی (حق عدم درگیری) و ایجابی (حق برخورداری از شرایط لازم برای توسعه و کرامت) است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان دو سند مرجع در دو سطح ملی و بین‌المللی، حاوی اصول متعددی هستند که می‌توان آنها را مؤلفه‌های صلح‌خواهی تلقی کرد. با این حال، درک تفاوت پارادایمی این دو سند، نیازمند تحلیل دقیق مؤلفه‌های صلح‌خواهی در پرتو رویکرد نظری مورد پذیرش هر یک است. با توجه به اهمیت صلح و صلح‌خواهی به‌ویژه در عصر معاصر این پژوهش به اهمیت این مسئله پرداخته و تلاش دارد تا با مد نظر قراردادن مؤلفه‌های مهمی که می‌توانند در ایجاد صلح مهم تلقی شوند مثل حق مشارکت برابر و... مقایسه‌ای بین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهد. سوال اصلی این است که مهم‌ترین شاخصه‌های صلح‌خواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر کدام هستند؟ و تفاوت‌ها و شباهت‌های صلح‌خواهی در دو سند مورد بررسی کدام است؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان دو سند مرجع در دو سطح ملی و بین‌المللی، حاوی اصول متعددی هستند که می‌توان آنها را مؤلفه‌های صلح‌خواهی تلقی کرد. با این حال، درک تفاوت پارادایمی این دو سند، نیازمند تحلیل دقیق مؤلفه‌های صلح‌خواهی در پرتو رویکرد نظری مورد پذیرش هر یک است. فرض نویسنده بر آن است که هر دو سند به‌عنوان اسناد بالادستی در پی ایجاد صلح و برقراری صلح هستند اما هر کدام مؤلفه‌هایی را در این راستا مد نظر قرار داده‌اند که از نظر نویسندگان و تدوین‌کنندگان مهم بوده‌اند. مقاله تلاش دارد تا مؤلفه‌های مهم و مشترک را استخراج نموده و بر اساس متن دو سند آنها را با هم مقایسه نماید.

۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

هرچند در ارتباط با موضوع این پژوهش و نگاه مقایسه‌ای به دو سند مورد بحث تا کنون پژوهش خاصی در کشور انجام نشده اما پژوهشگران دیگری به مباحث نزدیک‌تر و مرتبط با آنها پرداخته‌اند و در این حوزه نوشته‌هایی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

اسدی و همکارانش (۱۴۰۵) در مقاله حق بر صلح در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معاصر: مبانی نظری، تحولات هنجاری، چالش‌های اجرایی و چشم‌انداز تحقق در نظام حقوقی جهانی؛ بر این نظر هستند که اگرچه حق بر صلح هنوز به مرحله یک قاعده کاملاً الزام‌آور نرسیده، اما روند رو به رشد هنجارسازی بین‌المللی، آن را به یکی از مهم‌ترین حقوق همبستگی نسل سوم حقوق بشر تبدیل کرده است. حسین صنوبر (۱۴۰۳) در مقاله بررسی مفهوم حق بر صلح و تحقق‌پذیری آن با رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق می‌نویسد: ایجاد و حفظ صلح بین‌المللی مهم‌ترین هدفی است که سازمان ملل متحد برای دستیابی به آن تاسیس شده است. مفهوم صلح تنها به معنای نبودن جنگ نیست. صلح مثبت ابعادی گسترده‌تر از صلح منفی دارد و به ایجاد ساختارها و شرایطی می‌پردازد که از وقوع خشونت جلوگیری می‌کند و زمینه را برای توسعه پایدار و عدالت اجتماعی فراهم می‌کند. فیروزی (۱۴۰۴) در کتاب حق بر صلح: در نظام بین‌الملل حقوق بشر و آموزه‌های اسلامی و در مقاله (۱۴۰۰) بررسی فقهی حق بر صلح با تاکید بر آیات قرآن کریم، معتقد است: زندگی در فضای صلح‌آمیز و به دور از جنگ، یکی از مهم‌ترین آرزوهای بشر بوده و برای تحقق آن تلاش‌های بسیاری صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به شناسایی «حق بر صلح» اشاره کرد که بر اساس آن «زندگی در صلح» به مثابه «حق بشری» در کنار سایر حق‌های به رسمیت شناخته شده برای بشر مورد تایید و تاکید قرار گرفته است.

امینی‌نیا (۱۳۸۹) در مقاله جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت، بر این نظر است که: تحقق صلح و امنیت بین‌المللی نیازمند بسترسازی مناسب است که در بندهای ۲ الی ۴ منشور به آن اشاره شده، که همانا تحقق حقوق بنیادین بشر است. از سوی دیگر تحقق حقوق بشر نیز به نوبه خود نیازمند بستری از جنس صلح و آرامش است. مطلب فائد و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله حق بر صلح در حقوق ایران و لبنان با تمرکز بر رویه حقوق بشر غربی و اسلامی می‌نویسند: نیاز به زندگی در صلح و آرامش، دغدغه هر انسانی است که وظیفه تامین آن بر عهده حکومت است. جمهوری اسلامی ایران، رویه حقوق بشر اسلامی را در پیش گرفته که بر دکترین ولایت فقیه استوار است؛ اما در عین حال، امنیت داخلی کشور با مشکلاتی مواجه است که از نقاط ضعف عملکردی به شمار می‌آید. حسینی‌نیا (۱۳۹۰) در پایان‌نامه

کارشناسی ارشد با عنوان: تحلیل مفهوم و جایگاه حق بر صلح در چارچوب حقوق بین‌الملل معاصر، معتقد است: حق بر صلح یکی از مصادیق حقوق بشر نسل سوم است که در کنار سایر مصادیق این دسته از حقوق همچون حق بر توسعه، حق بر حکمرانی مطلوب و حق بر داشتن محیط زیست سالم منجر به ایجاد ثبات می‌گردد و تلاشی در راستای دستیابی به صلح پایدار در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شود. محمدی تمنایی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان مفهوم و جایگاه حق صلح در اسناد بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی بر این نظر است که: صلح بستری برای تحقق سایر حقوق بشریت است لذا برای برقراری صلح در عرصه بین‌الملل تلاش‌های گوناگونی از قبیل وضع اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و... صورت پذیرفته که متأسفانه از جامعیت و مانعیت کافی برخوردار نبوده و بعضاً موقتی، مقطعی و غیر الزام‌آور می‌باشند.

عبدالله‌پور و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله اصول و بنیادهای صلح مثبت؛ طرح دیدگاهی ایجابی از صلح، می‌نویسند: با وجود آنکه معمولاً صلح به نبودن جنگ معنا شده، به تدریج در دوران جدید معنایی وسیع‌تر از آن موسوم به صلح مثبت نیز مطرح شده، که صلح مثبت نه فقط به مثابه مسئله‌ای در کنار دیگر امور جوامع بشری بلکه در حکم زمینه لازم و ناگزیر تحقق بسیاری از اهداف کلان جوامع از قبیل تعامل، همبستگی و نیز توسعه، دارای اهمیتی بی‌بدیل است. نویسندگان دیگری مثل قزل بیگلو (۱۴۰۱) در مقاله تحلیل جایگاه حق بر صلح در نظام حقوق بشر و احمد فخرالدین (۱۴۰۲) در مقاله بررسی حق بر صلح در اسناد حقوق بین‌الملل به اهمیت مسئله بررسی جایگاه حق بر صلح در اسناد حقوق بین‌الملل و نقش تاثیرگذار دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیر دولتی در ترویج و توسعه حق بر صلح در چارچوب حقوق بشر پرداخته‌اند.

در عرصه بین‌المللی هم مطالعات و پژوهش‌های متعددی در ارتباط با صلح و حق بر صلح منتشر شده است؛ به عنوان مثال ریچموند رویکرد صلح پس از جنگ سرد را مورد بحث قرار داده و معتقد است این رویکرد در راستای حفظ نظم بین‌المللی لیبرال است (Richmond, 2024: 1-8). یا گروهی دیگر از نویسندگان به بحث صلح و ضد صلح در عرصه بین‌المللی پرداخته‌اند (Pogodda et al, 2023: 12). پژوهشگری نیز به رابطه صلح و نظم دموکراتیک اشاره دارد که تضمین‌کننده امنیت انسانی و رابطه پایدار میان صلح و نظم بین‌المللی به شمار می‌رود (Okafor, 2023: 5). نوشتار حاضر بر خلاف نوشته‌های ذکر شده اول اینکه به دو سند مهم در عرصه داخلی و بین‌المللی اشاره دارد و نگاه تک بعدی ندارد و دوم اینکه با رویکردی مقایسه‌ای اشتراکات و تفاوت‌های آنها را بررسی می‌نماید.



۳. بنیان‌های مفهومی و محورهای تحلیلی (تبیین مفاهیم)

۳-۱- چستی صلح

صلح به معنای آشتی، نرمش، وجود امنیت و آرامش است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۳۶۵). کانت صلح را به معنای فقدان جنگ و فقدان هر گونه خصومتی می‌داند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۴). صلح حالتی است که در آن جنگ حکم‌فرما نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۴۰۸). دانشنامه استنفورد صلح‌گرایی را تلاش برای فضایل صلح طلبانه مانند مدارا، بردباری، عشق و گذشت می‌داند (نوبهار و صادقی، ۱۴۰۳: ۵۶). صلح مفهومی پویا و چند وجهی است که فراتر از آتش‌بس یا توقف موقت درگیری‌های مسلحانه تعریف می‌شود. صلح پایدار، مبتنی بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که از درگیری‌های آتی پیشگیری کند. اهمیت صلح تا جایی است که برخی معتقد هستند صلح بستر ساز و مقدمه تحقق سایر حقوق بشری است (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در حوزه مطالعات صلح مفاهیم صلح و خشونت در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و نبود یکی با حضور دیگری ملازمه دارد (Galtung, 1969: 168). لذا پیگیری سایر حقوق نیازمند فضا و بستری صلح‌آمیز می‌باشد. در اسلام بر صلح تاکید شده است. قرآن در بحث صلح به روابط مسالمت‌آمیز و برادرانه و انسانی میان مسلمانان با هم و با غیر مسلمانان اشاره دارد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۹).

۳-۲- صلح مثبت و منفی

صلح فقط نبود جنگ و خشونت نیست بلکه توانایی صلح‌خواهی و اعمال آن هم مهم است و در مرحله بالاتری قرار می‌گیرد به نوعی که می‌توان از صلح مثبت و منفی سخن گفت. فقدان جنگ و درگیری‌های مسلحانه تعبیر مضیقی از صلح است که از آن به «صلح منفی»^۱ یاد می‌نمایند (وکیل، ۱۳۸۳: ۱۱۸). در مقابل «صلح مثبت»^۲ شامل فرایند توسعه، عدالت و احترام کامل میان ملت‌ها و افراد است. در عرصه‌های بین‌المللی صلح هم در مفهوم منفی یعنی فقدان تهدید و توسل به زور برای وضع موجود و هم در مفهوم مثبت یعنی امنیت کاربرد دارد (شایگان، ۱۳۸۰: ۵). در واقع همزیستی مسالمت‌آمیز یک آرمان جهانی است (بریسکمن، ۱۳۹۹: ۱۹). از نظر گالتونگ صلح منفی به مفاهیمی مثل پایان جنگ و خشونت می‌پردازد اما صلح مثبت احیا و تعمیق روابط و ایجاد شاخص‌های بهبود در نظام‌های اجتماعی و تحول‌گرا است (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۷). در واقع گالتونگ صلح منفی را تاکید بر برنامه‌های دیپلماتیک برای حفظ صلح

1 - Negative Peace

2 - Positive Peace

می‌داند در حالی که صلح مثبت بر صلح‌سازی و تاسیس ساختار اجتماعی غیر استثماری تمرکز دارد (گل‌باغ و مرشدی‌زاد، ۱۴۰۳: ۹).

عده‌ای هم از صلح درونی و بیرونی سخن گفته‌اند. صلح درونی به‌عنوان وضعیتی ذهنی و صلح بیرونی به‌عنوان وضعیتی عینی (فولادی مقدم و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۳۴) شمرده می‌شود که در ارتباط با هم هستند. اگر افراد با خودشان و در درونشان در صلح نباشند بعید است بتوانند به صلح زمینی برسند (دیهیمی، ۱۳۹۷: ۴۲). اینجا می‌توان گفت صلح درونی مقدمه صلح بیرونی تلقی می‌شود. علاوه بر این موارد صلح درونی و بیرونی را می‌توان از منظر جغرافیایی و سرزمینی هم تقسیم نمود که تامین صلح جهانی و کاهش میزان اختلافات و تعارضات در دو حوزه روابط بین‌المللی و روابط داخلی و درونی دولت‌ها قابل بررسی است (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳). در این نگاه اول تفاهم در داخل و بعد تسری به روابط خارجی باعث ایجاد صلح می‌گردد. حق بر صلح در این پژوهش تاکید بر صلح مثبت می‌باشد که در آن عدالت، برابری، توسعه پایدار، احترام به حقوق و آزادی افراد، اقلیت‌ها و زنان محترم شمرده می‌شود و تحقق آن تضمین‌کننده دوام صلح است که به نظر می‌رسد نیازمند ترویج فرهنگ صلح از طریق آموزش آن و ایجاد زمینه‌های عادلانه به‌ویژه از منظر اقتصادی امکان‌پذیر می‌باشد.

۳-۳- حق بر صلح

با روشن شدن تعریف صلح و انواع آن بهتر می‌توان از حق بر صلح صحبت کرد. نکته مهم این است که برخورداری از صلح یک حق است لذا باید ساز و کارهای ایجاد و تضمین این حق هم مد نظر قرار گیرند. حق بر صلح زندگی همه افراد و ملت‌ها در محیطی عاری از جنگ و تهدید و خشونت است که در آن حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابل تحقق باشد که علاوه بر فقدان جنگ و تجاوز، نظام تهدید نیز نباید باشد (فیروزی، ۱۴۰۰: ۷۵). هر ملت و هر فردی صرف نظر از نژاد، زبان، جنسیت حق ذاتی برای زندگی در صلح دارد و احترام به این حق منفعت مشترک کلیه افراد است (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۹). این حق مهم در اسناد مهمی هم مورد توجه و تاکید واقع شده است.

اصطلاح «حق صلح» که از جمله حقوق معروف به نسل سوم حقوق بشر شناخته می‌شود، برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط کمیسیون حقوق بشر مطرح گردید (تاموشات، ۱۳۸۶: ۱۴۰) که بر موضوع ترویج و تشویق بیشتر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تاکید دارد. برابر ماده ۱ قطعنامه مذکور همه حق دارند در شرایط صلح و امنیت بین‌المللی زندگی کنند و از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نیز حقوق مدنی و سیاسی به طور کامل برخوردار شوند. یک سند دیگر اعلامیه حق بر صلح است که در قالب قطعنامه

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است؛ برابر ماده یک آن هر کسی حق برخورداری از صلح را دارد به گونه‌ای که کلیه حقوق بشر ترویج و حمایت گردد و توسعه به طور کامل محقق گردد (فیروزی، ۱۴۰۰: ۷۴). یا اینکه در سال ۱۹۷۹ حق بر زندگی در صلح به عنوان یک حق بشری به وسیله کمیسیون حقوق بشر شناسایی شد (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۹). همچنین اولین خط مقدم منشور ملل متحد به ضرورت حفظ نسل‌های آینده از خطرات جنگ اشاره دارد (اشراف، ۱۳۹۳: ۸۴). مهم‌ترین سندی که در آن حق صلح به رسمیت شناخته شد «اعلامیه‌ای درباره حق ملت‌ها به صلح»^۱ است که در ماده ۱ آن بیان شده که: با احترام اعلام می‌نماییم که همه مردم سیاره ما از حق مقدس صلح برخوردار هستند، در بسیاری از اسناد دیگر مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی کشورها هم به آن اشاره شده و بر آن تاکید شده است.

۳-۴- شاخصه های مهم صلح خواهی

برای اینکه بتوان مفاد دو سند مد نظر را بهتر مقایسه نمود، ابتدا لازم است معیارها و شاخصه‌هایی را که در صلح خواهی مهم هستند، مشخص نمود و بر مبنای آنها به مقایسه دو سند مورد مطالعه پرداخت. هرچند ممکن است شاخصه‌های متعددی بتوان در نظر گرفت و به مواردی مثل قانون‌گرایی اشاره کرد و همان‌گونه که ژاک شوالیه می‌گوید: هر دولت برای کسب احترام نیازمند حرکت در مسیر حکومت قانون است (Chevallier, 2003: 153). یا موارد دیگری مثل تحقق الگوی حکمرانی مطلوب هم قابل اشاره هستند که ضمن اعمال حاکمیت قانون و تقویت دموکراسی، می‌تواند عامل مهمی در ایجاد و ارتقای صلحی پایدار محسوب شود (نقیبی مفرد، ۱۳۹۵: ۹۱). اما نویسنده با مقایسه دو سند بر این نظر است که چند شاخصه حق مشارکت و آزادی‌های اساسی اشخاص، عدالت و برابری، امنیت و رفاه و حقوق اقلیت و زنان در جامعه و همچنین عرصه بین‌المللی می‌توانند معیار مناسبی برای محک صلح خواهی به شمار آیند. این شاخصه‌ها به عنوان محورهای صلح مثبت محسوب می‌شوند که در ادامه به ویژگی‌های آنها اشاره می‌شود.

۱- حق مشارکت و آزادی‌های اساسی اشخاص: حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه از نظر سیاسی و بحث انتخابات هم از منظر انتخاب نمودن و هم انتخاب شدن مهم می‌باشد. مشارکت از طرفی یک حق برای اعضای جامعه و از سوی دیگر به جهت بهره‌گیری از نیرو و خرد جمعی یک ظرفیت مهم اجتماعی محسوب می‌شود و برآیند آن یک جنبه مهم از توانمندسازی فرهنگ صلح هم برای اجتماع و هم نظام تصمیم‌گیرنده است (فولادی مقدم و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۴۴). مشارکت جویی افراد در اداره کشور بر

اساس بهبود حق رای همگانی، کاهش تبعیض در قوانین و مقررات، گسترش ساز و کارهای مشورتی، حمایت از سازمان‌های جامعه مدنی، جلوگیری از برخورد تبعیض آمیز با شهروندان و جبران محرومیت‌های پیشین عامل مهمی در ایجاد و ارتقای صلحی پایدار محسوب می‌شود (نقیبی مفرد، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۵). یکی دیگر از جنبه‌های مهم این حق، احترام به نظر دیگران و ایجاد زمینه برای تفاهم و گفتگو است. یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند به طور قابل توجهی به کاهش خشونت کمک نماید و امروزه تحت تاثیر گسترش فضای جهانی و تعامل میان افراد و ملت‌ها نیز بیشتر از سوی محافل علمی مورد توجه قرار گرفته است، «گفتگو» می‌باشد. گفتگو و یا عقلانیت بین‌الذهانی با تاکید بر هم‌زبانی در مقابل عقلانیت ابزاری زمینه‌های صلح، تفاهم و قدرت مبتنی بر توافق و اجماع را در مقابل قدرت مبتنی بر سلطه و خشونت فراهم می‌سازد (رهبری، ۱۳۹۵: ۴۵). گفتگو می‌تواند هم به تضمین حقوق افراد کمک نماید هم به ایجاد صلح و مفاهمه منجر شود.

۲- عدالت و برابری: عدالت و برابری یک آرمان دیرینه بشری است و تضمین آن به ایجاد و بهبود صلح کمک می‌نماید. عده‌ای پایداری صلح را بدون عدالت امکان‌پذیر نمی‌دانند (پوراحمدی و مرادی، ۱۳۹۷: ۴۴) و بر این نظر هستند که صلح و عدالت به هم وابسته‌اند (Kerr, 2007: 375). هرچند ناسازگاری صلح و عدالت (Scharf, 1999: 507) هم طرفدارانی دارد اما قابل انکار نیست که عدالت یکی از مبانی اولیه و مهم صلح است زیرا در جامعه‌ای که عدالت نباشد نمی‌توان انتظار تحقق صلح را داشت (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۰). اهمیت صلح تا جایی است که به جهت کل‌نگر بودن صلح در صورت تراحم یا تعارض آن با عدالت، اولویت با مراقبت از صلح است (نوبهار و صادقی، ۱۴۰۳: ۵۴). هرچند نمی‌توان با قطعیت از تعارض صلح و عدالت صحبت نمود اما مفروض مقاله این است که رعایت عدالت باعث ایجاد و تضمین صلح در جامعه می‌گردد.

۳- رفاه و امنیت: رفاه جامعه و انسان‌ها از این جهت مهم است که ایجاد شرایط رفاهی و تامین زندگی مردم از هر نظر می‌تواند به ایجاد آرامش و جلوگیری از خشونت کمک نماید که این خود در ارتباط با مقوله مهم امنیت قرار می‌گیرد. یکی از مؤلفه‌های اساسی مدرنیته، صلح و امنیت است (علوی‌پور و بحرانی، ۱۳۸۸: ۲۱). نباید فراموش کرد که این مقاله امنیت را فقط نبود جنگ نمی‌داند بلکه امنیت در همه زمینه‌ها مثل امنیت روانی جامعه، امنیت شغلی افراد، امنیت بهداشت و درمان و... را مد نظر دارد و آن را مؤلفه مهمی در ایجاد و تثبیت صلح پایدار می‌داند. کانت معتقد است هر وسایلی برای برپا کردن جنگ به کار برده می‌شود، باید ممنوع شود (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰).

۴- حقوق اقلیت‌ها و زنان: حقوق اقلیت‌ها و زنان هم یک مؤلفه مهم تلقی می‌شود. حکمرانی بر مبنای احترام به شان و کرامت شهروندان و احترام به کثرت‌گرایی در کنار تضمین حقوق و آزادی آنها باعث حرکت حکمرانی در مسیر صلح می‌شود (فولادی مقدم و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۳۸). در بسیاری از جوامعی که شاهد هرج و مرج و نبود شرایط صلح‌آمیز هستیم به نوعی حقوق اقلیت‌ها و زنان هم نقض می‌شود. آنها باید با بقیه افراد جامعه برابر باشند چرا که برخی برابری افراد در برابر قانون را یک مؤلفه مهم و اثرگذار در صلح به‌ویژه در عرصه داخلی می‌دانند (ویژه، ۱۳۹۴: ۱۰۰). لذا یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم برای ایجاد صلح تضمین و احترام به حقوق آنها است.

۴. مؤلفه‌های صلح‌خواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر

۴-۱- صلح‌خواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی در هر کشوری یک سند مهم و تعیین‌کننده مبانی و اصول اساسی سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... آن کشور است. این قانون مجموعه‌ای از اصول را در بر می‌گیرد که به صراحت یا تلویحا رویکردی صلح‌جویانه را در سیاست داخلی و خارجی ترسیم می‌کند. در این سند به صلح و موارد مرتبط با آن و ساز و کارهای ایجاد آن هم اشاره می‌شود. در قانون مشخص می‌شود که حرکت بر اساس یک سری اصول منجر به ایجاد آرامش و صلح می‌گردد، در اینجا ارتباط بین حکومت قانون و صلح انکارناپذیر است (ویژه، ۱۳۹۴: ۹۶). از قرن نوزدهم به این طرف قوانین اساسی بسیاری از کشورها که جملگی از اعلامیه‌های حقوق بشر آمریکایی و فرانسوی الهام گرفته بودند، احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی را مبنای کار خود قرار دادند و در مقابل قدرت وزنه‌ای دیگر (تفکیک قوا، تحدید صلاحیت‌ها، نظارت قضایی) گذاردند و به این ترتیب میان ارزش‌ها و قدرت، موازنه‌ای معقول ایجاد کردند (فلسفی، ۱۳۸۱: ۲۲). در قانون اساسی ایران هم در مواردی به صورت مستقیم و در برخی موارد هم به صورت غیر مستقیم به صلح‌طلبی و صلح‌خواهی اشاره شده است.

قانون اساسی ایران، صلح را در دو سطح داخلی و بین‌المللی ترسیم می‌کند؛ صلح در داخل کشور مستقیماً با استقرار عدالت (مقدمه و اصول متعدد، از جمله اصل ۴۳ در زمینه اقتصاد) و امنیت ملی در اصل ۱۵۰ مرتبط است. تأکید بنیادین بر اسلامیت نظام و حاکمیت قانون الهی، زمینه را برای تعریف مشارکتی مبتنی بر پذیرش این چارچوب فراهم می‌سازد. و در سطح بین‌المللی اصل ۱۵۲ سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران را بر مبنای نفی سلطه‌گری، نفی سلطه‌پذیری، عدم مداخله، حمایت از مستضعفان و نفی هرگونه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی تعریف می‌کند که خود مؤلفه‌ای کلیدی در صلح جهانی است.

۱- حق مشارکت و آزادی‌های اساسی اشخاص: قانون اساسی در اصل سوم تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و ایجاد زمینه برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش و همچنین رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی را وظیفه دولت دانسته است؛ در فصل سوم حقوق ملت را ذکر نموده است. می‌توان گفت که اعلام و تضمین حقوق افراد در واقع فراهم نمودن بستر مناسب برای ایجاد و حفظ صلح پایدار می‌باشد (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۹) که در قانون مذکور مواردی مثل آزادی بیان و مطبوعات، تشکیل احزاب و انجمن‌ها و فعالیت‌های صنفی و حقوقی مثل حق دادخواهی و داشتن مسکن و شغل و... از مواردی است که می‌تواند در ایجاد و تضمین صلح در جامعه مهم تلقی گردد.

۲- عدالت و برابری: در اصل دوم بر نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری تأکید شده که به‌عنوان یکی از راه‌های ایجاد قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی محسوب می‌شود. در قانون اساسی تأکید فراوان بر عدالت اقتصادی و توزیع منابع به‌عنوان هدف اصلی دولت شده که در دو اصل ۴۳ و ۴۹ نمایان شده است که هدف، رفع فقر و برقراری تعادل اقتصادی است. در واقع قانون اساسی ایران در بعد عدالت اقتصادی جلوه‌ای قوی‌تر دارد.

۳- رفاه و امنیت: در اصل سوم به تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون تأکید شده و در اصول دیگری بر رفاه و امنیت تأکید شده است. در اصل چهل و سوم ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای افراد و تأمین نیازهای اساسی برای همه را می‌توان در باعث ایجاد صلح و آرامش در جامعه قلمداد نمود. در یک نگاه دولت قانون‌مدار در راستای استقرار و حفظ صلح باید با فقر، توسعه نیافتگی، بیماری، بلایای طبیعی، جنایات بین‌المللی، تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی مبارزه نماید (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶) که دیدگاه قانون اساسی را می‌توان در همین راستا تفسیر نمود. در متن قانون اساسی امورات رفاهی بیشتر در راستای رشد متعالی انسان هستند تا بر این مبنا انسان بتواند به تکالیف اصلی خود که همان معنویت و سعادت است برسد. امنیت نیز در این چارچوب نه صرفاً امنیت فردی بلکه امنیت ملی و تمامیت ارضی هم هست در حالی که اعلامیه بر امنیت انسانی و مصون ماندن فرد در برابر تعرض به‌ویژه از ناحیه دولت قلمداد می‌شود.

۴- حقوق اقلیت‌ها و زنان: اصل نوزدهم قانون اساسی تاکید دارد که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردار هستند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. برابر اصل بیستم هم همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار هستند. مقدمه قانون اساسی زن را دارای ارزش و کرامتی والا می‌داند و مشخصا در اصل بیست و یکم بر تضمین حقوق زنان تاکید نموده است. قانون اساسی در مواردی شامل تفاوت‌ها و تبعیض‌هایی در حق اقلیت‌ها و زنان است. به عنوان مثال برابر قانون اساسی رئیس‌جمهور حتما باید تابع دین و مذهب رسمی کشور باشد که در چنین وضعیتی بقیه اقلیت‌های دینی و مذهبی امکان انتخاب شده به عنوان رئیس‌جمهور را ندارند یا در مواردی مثل تعریف رجل سیاسی و امکان انتخاب زنان هنوز هم ابهام وجود دارد و عملا این گروه نیز در این زمینه کنار گذاشته شده‌اند. در همین راستا تفاوت‌های دیگری را نیز شاهد هستیم که منبعث از فقه اسلامی در مواردی مثل ارث و... نیز تفاوت‌هایی وجود دارد.

۴-۲- چارچوب صلح‌خواهی در اعلامیه جهانی حقوق بشر

بسیاری از نهادهای بین‌المللی برای ایجاد صلح تاسیس شده‌اند و در همین راستا بیشتر اسناد و معاهدات بین‌المللی هم بر آن تاکید داشته‌اند. اصولا تحلیل حقوق بشر نیازمند بستری از جنس صلح و آرامش است (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۱). از جمله مهم‌ترین علت شکل‌گیری و دلیل وجودی و هدف ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۵). در واقع هدف اولیه سازمان ملل متحد طبق ماده یک منشور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در نهایت اقدامات جمعی موثر برای جلوگیری و از بین بردن هرگونه تهدید علیه صلح می‌باشد و تشکیل سازمان مهم‌ترین تلاش برای ایجاد نهادینه یک رژیم تقویت صلح جمعی است (حکاکی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۹). هرچند مطابق ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است (بزرگمهری و خرمی، ۱۳۹۳: ۱۱). اما این به معنی عدم مسئولیت و تکلیف نداشتن سایر نهادها و ارکان‌های سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی نمی‌باشد. اسناد متعددی بر صلح تاکید داشته‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر شش حق مهم، حقوق امنیت، حقوق دادرسی، حقوق آزادی، حقوق ناظر بر مشارکت سیاسی، حقوق ناظر بر برابری و حقوق اجتماعی را احصا می‌کند (Anasarians-Berliner, 2009: 181). اعلامیه بر کرامت ذاتی انسان و حقوق جهان‌شمول تأکید دارد و صلح را نتیجه مستقیم تحقق این حقوق می‌داند. اصول ۱ و ۲ اساس هرگونه صلح‌خواهی را بر پایه برابری مطلق بنیان می‌نهند. همچنین

اعلامیه پوشش بسیار گسترده‌ای بر ابعاد صلح مثبت دارد. برای مثال، حق مشارکت سیاسی در ماده ۲۱ و حق کار و دستمزد برابر در مواد ۲۳ و ۲۵ و حق آموزش در ماده ۲۶ به عنوان زیربنای صلح معرفی شده‌اند. منشأ اعلامیه جهانی حقوق بشر کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می‌باشد (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲). تحقق مصادیق حقوق بشر و شناسایی و عینیت یافتن آنها از نظر اعلامیه جهانی حقوق بشر به معنای پیش شرط‌های تحقق صلح است و حق بر صلح محقق نخواهد شد مگر آنکه قبلاً سایر مصادیق حقوق بشر عینیت یافته باشند (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۶). مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در دو سند الزام‌آور تحت عناوین میثاق‌های حقوق مدنی-سیاسی و حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تبلور یافت که این اسناد مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر را اعم از حق تعیین سرنوشت و حق حیات و آزادی‌های بیان، مذهب و اعتقادات و حق تشکیل اجتماعات، ممنوعیت شکنجه، تساوی افراد در برابر قانون، حق کار، حق آموزش و پرورش، حق تشکیل خانواده، حق مالکیت و غیره را مورد توجه قرار داده‌اند (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳). از نظر صاحب نظرانی مثل بتی ریردون حقوق بشر بهترین پاسخ را در مواجهه با مسائل حوزه صلح فراهم می‌کند و با رفتن به مصاف بی‌عدالتی و نبود آزادی زمینه را برای شکل‌گیری صلح مثبت مساعد می‌سازد (Reardon, 1997: 22).

۱- حق مشارکت و آزادی‌های اساسی اشخاص: در دیباچه اعلامیه شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان شمرده شده است. در مواد متعدد اعلامیه مثل مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ بر حقوق افراد و آزادی‌های آنها تأکید شده است. آزادی اندیشه، آزادی عقیده و بیان و آزادی تشکیل اجتماعات از جمله آنها است. مشخصاً در ماده ۲۱ بر حق مشارکت افراد تأکید شده است. هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت کند.

۲- عدالت و برابری: برابری در اسناد بین‌المللی و حقوق بشری یک اصل مهم و اساسی است و همواره بر آن تأکید شده است. در ماده ۷ اعلامیه به برابری افراد اشاره شده است. مطابق این ماده همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.

۳- رفاه و امنیت: برابر ماده ۳ اعلامیه، هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده ۲۵ برخورداری افراد از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده، به‌ویژه از حیث



خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین در ماده ۱۲ تصریح شده که نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ کسی مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است.

۴- اقلیت‌ها و حقوق زنان: توجه به اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی مهم شمرده شده که این اصل در اعلامیه هم بازتاب داشته و اصل را بر برابری افراد بدون توجه به نژاد و دین و جنسیت و... دانسته است. برابر ماده ۲ اعلامیه هر کسی می‌تواند بی هیچ گونه تمایزی، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. برابر ماده ۱۶ خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

۴-۳- مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های صلح‌خواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اساس شاخص‌های محوری

مقایسه نگاه دو سند به مقوله صلح از این جهت هم می‌تواند مفید باشد که با برشمردن جهات مثبت این اسناد بتوان به تقویت صلح و ایجاد صلح پایدار کمک نمود، چرا که دستیابی و نیل به سعادت، پیشرفت و تعالی انسان‌ها فقط از راه صلح پایدار ممکن می‌باشد (بیگز زاده، ۱۳۸۷: ۳-۴). لذا برشمردن تفاوت‌ها و نقاط مثبت و منفی می‌تواند در این راستا مهم ارزیابی گردد. در ادامه به مقایسه نگاه دو سند به صلح‌خواهی و برشمردن تفاوت‌ها و اشتراکات آن بر اساس شاخصه‌های تعیین شده می‌پردازیم.

۴-۳-۱- بررسی حق مشارکت و آزادی‌های اساسی در دو سند

هر دو سند مورد بررسی بر لزوم حفظ و احترام به آزادی‌های اساسی افراد تاکید داشته‌اند و آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات را محترم شمرده‌اند؛ هرچند در قانون اساسی قیدهایی مثل در صورتی که مخل به مبانی اسلام یا خلاف قانون و نظم عمومی نباشد، آمده که به نظر می‌رسد این آزادی‌ها را به صورت مطلق نپذیرفته و آنها را مشروط دانسته و می‌توان گفت به نوعی آزادی افراد را محدود و مقید نموده است. اما اعلامیه آزادی و حق مشارکت افراد را به صورت مطلق و بدون استثنا و قید و بند می‌داند.

۴-۳-۲- مقایسه نگاه دو سند عدالت و برابری

عدالت و برابری دو واژه مکمل هم هستند که در هر دو سند بر آنها تاکید شده، اما گاهی ممکن است قانون برای رسیدن به یک هدف به نقض یک اصل بپردازد. برخی بر این نظر هستند تا زمانی که قانون وجود دارد

هیچ حقوق بشر جهان‌شمولی برای صلح وجود نخواهد داشت. قانون نمی‌تواند بدون آنکه عدالت را نقض کند، صلح را فقدان خشونت تعریف کند (ولچر، ۱۳۹۷: ۳۱). قانون اساسی ایجاد قسط و برقراری عدالت را یک هدف مهم و اساسی می‌شمارد و آن را به‌عنوان یک تکلیف دینی و شرعی قلمداد می‌کند که می‌تواند در ایجاد صلح و آرامش و رضایت در جامعه موثر باشد اما اعلامیه‌نگاهی حقوق بشری و نه دینی به عدالت دارد و بیشتر بر برابری افراد تأکید دارد و این برابری را ضرورتی برای صلح می‌داند. بر خلاف قانون اساسی ایران که بیشتر بر عدالت اقتصادی تأکید دارد، متن و مفاد اعلامیه تمرکز بر عدالت قضایی دارد و حق محاکمه عادلانه و برابری در برابر قانون را در اولویت قرار داده و عدالت اقتصادی بیشتر ذیل حق رفاه تعریف می‌شود تا عدالت ساختاری صریح.

۴-۳-۳- مقایسه از منظر توجه به رفاه و امنیت

رفاه و امنیت بر خلاف دو شاخصه پیشین که بر اساس مبانی دینی و اجتماعی ممکن است تفاسیر و برداشت‌های متعددی از آنها شود، کمتر دچار چنین وضعیتی هستند و هر دو سند بر تامین رفاه افراد و مالکیت آنها و مصون ماندن از تعرض تأکید دارند و دخالت خودسرانه در زندگی افراد را نهی کرده‌اند. همان‌طور که اخیراً گسترش تدریجی حقوق بشر و آثاری که بر حاکمیت گذاشته امکان اعمال خودسرانه را سلب نموده است (حکاکی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۵). در این اسناد و بسیاری دیگر از اسناد حقوق بشری محدود نمودن و جلوگیری از اعمال خودسرانه در راستای ایجاد و تضمین امنیت افراد مهم تلقی شده است؛ اما در این شاخصه نیز نگاه قانون اساسی ایران با اعلامیه متفاوت است، هرچند هر دو سند نقش و وظیفه دولت در تامین رفاه و امنیت را تأکید دارند اما بر خلاف قانون اساسی، رفاه در اعلامیه یک حق فردی است که باید تامین شود نه به‌عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف متعالی‌تر در حالی که در قانون اساسی ایران این موارد ابزارهایی برای دستیابی به هدفی والاتر به اسم سعادت هستند. امنیت هم در این چارچوب همان‌طور که اشاره شد در قانون اساسی علاوه بر امنیت فرد بیشتر امنیت ملی و حفظ کیان اسلام و جامعه مطرح است اما در اعلامیه امنیت انسانی و مواردی مثل منع بازداشت‌های خودسرانه و مواردی از این قبیل است.

۴-۳-۴- ارزیابی نگاه دو سند به حقوق زنان و اقلیت‌ها

به نظر می‌رسد بتوان این مؤلفه را به‌عنوان رکن صلح پایدار قلمداد نمود. احترام به اقلیت‌ها و عدم درجه‌بندی شهروندان یک اصل اساسی در صلح‌خواهی است چرا که تبعیض و خودی و غیر خودی کردن افراد باعث برهم زدن نظم و آرامش جامعه شده که با اصول اساسی صلح‌خواهی مغایرت دارد. در متن قانون اساسی توجه به عدم تبعیض همچون متن اعلامیه وجود دارد و فارغ از اینکه در اجرا تا چه حد این اصول رعایت

شده‌اند، بر عدم وجود تفاوت بین افراد اشاره شده که این مهم در ارتباط با تکریم حقوق زنان و خانواده هم وجود دارد. اما در مواردی نیز شاهد تبعیض‌هایی در متن قانون مذکور هستیم، در مواردی مثل انتخاب رئیس‌جمهور به آن اشاره شد. بر خلاف قانون اساسی ایران و وجود تبعیض‌هایی از نظر دین و مذهب و جنسیت، اعلامیه تأکید بر برابری مطلق جنسیتی و نژادی بدون استثنا دارد که در موادی مثل مواد ۱ و ۲ اشاره شده است.

همان‌گونه که اشاره شد هر دو سند مورد بررسی در شاخصه‌های مورد بحث دارای مفاد نزدیکی به هم هستند و از منظر صلح منفی تفاوت اصولی و بنیادینی که بتوان آنها را مغایر هم دانست، وجود ندارد و بیشتر در بعد صلح مثبت و مرحله اجرا و بحث ضمانت اجراها شاهد تفاوت خواهیم بود. همچنین نوع نگاه و جهان‌بینی دو سند به این مفاهیم متفاوت است. قانون اساسی ایران بر اساس مبانی دینی و نوعی تکلیف شرعی به مفاهیم مورد بحث اشاره دارد اما اعلامیه نگاهی زمینی دارد و بر اساس مفاهیم حقوق بشری و کرامت ذاتی افراد آنها را بررسی می‌نماید. نباید فراموش کرد که مفهوم صلح موضوعی فرا حقوقی است (فولادی مقدم و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۳۳). لذا نگاه صرفاً حقوقی برای مقایسه مؤلفه‌های صلح پاسخگو نخواهد بود، به همین دلیل است که مبانی دینی و فرهنگی و حتی فضا و شرایط حاکم بر جامعه و روابط بین‌الملل می‌تواند تفاسیر گوناگونی از مسئله به دست دهد.

جدول شماره ۱- مقایسه نگاه دو سند به صلح بر اساس شاخصه‌های تعیین شده

اسناد و شاخصه‌ها	حق مشارکت و آزادی‌های اساسی	عدالت و برابری	امنیت و رفاه	حقوق اقلیت‌ها و زنان
قانون اساسی ایران	مشارکت سیاسی مقید به پذیرش مبانی ایدئولوژیک نظام است؛ محدودیت در حق انتخاب شدن؛ آزادی‌ها نباید مخل اسلام و نظم عمومی باشند.	تأکید فراوان بر عدالت اقتصادی و توزیع منابع، با هدف، رفع فقر و برقراری تعادل اقتصادی	تأکید بر تأمین نیازهای اساسی، توجه به امنیت ملی، تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدات خارجی، محدودیت امنیت متعارض با شرع و نظم عمومی	عدم وجود نگاه برابر به اقلیت‌ها و زنان در برخی مؤلفه‌ها مثل حق انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور، وجود تبعیض
اعلامیه جهانی حقوق بشر	تأکید بر حق مشارکت در حکومت به صورت مستقیم یا از طریق نمایندگان انتخابی، تأکید بر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، تأکید بر آزادی بیان و مطبوعات و...	تمرکز بر عدالت قضایی و برابری در برابر قانون	رفاه به عنوان حق جهانی فردی تعریف می‌شود، تأکید بر امنیت انسانی و حق حیات و حفاظت از افراد	برابری مطلق جنسیتی و نژادی بدون استثنا

(نگارنده، ۱۴۰۵)

۵. نتیجه

با بررسی مفاد دو سند به نوعی نزدیکی متن آنها در بحث مرتبط با حق بر صلح را شاهد هستیم و در مؤلفه‌های مشخص شده هر دو سند بر صلح تأکید دارند. تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های صلح‌خواهی نشان می‌دهد که هر دو سند پایه‌های محکمی برای دستیابی به صلح دارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صلح را در چارچوب هویت دینی، عدالت توزیعی و تقویت ساختارهای داخلی تعریف می‌کند، در حالی که اعلامیه چارچوبی جهانی، لیبرال و مبتنی بر حقوق فردی برای صلح مثبت ارائه می‌دهد.

بنابراین، در حالی که هر دو سند به صلح منفی و عدم جنگ اهتمام دارند، تفاوت اصلی در تحقق و تضمین مؤلفه‌های صلح مثبت، ریشه در تفاوت پارادایم حاکم بر هر سند دارد. مشارکت در قانون ایران ایدئولوژی محور است اما در اعلامیه مطلق است. آزادی‌ها نیز در ایران مشروط است به عدم مغایرت با شرع و قانون و نظم عمومی اما اعلامیه چنین نگاهی ندارد. عدالت در قانون اساسی مبنایی دینی دارد که ایجاد آن نوعی تکلیف شرعی و فرا زمینی قلمداد می‌شود اما اعلامیه بر برابری افراد فارغ از نژاد و جنسیت و... و با نگاهی انسانی و زمینی تأکید دارد. تأکید اعلامیه بر امنیت فردی به عنوان یک حق بدیهی و رفاه انسانی با نگاه قانون اساسی به امنیت ملی و رفاه اقتصادی دارای تفاوت است. در بحث حقوق اقلیت‌ها و زنان به نوعی



شاهد بیشترین تفاوت بین دو سند هستیم؛ هرچند به حفظ حقوق این گروه‌ها در قانون اساسی اشاره شده اما بر خلاف اعلامیه که بر برابری مطلق جنسیتی و نژادی اشاره دارد، در قانون اساسی این برابری مشاهده نمی‌شود و برخی از شهروندان به دلیل دین یا مذهب یا جنسیت آنها از برخی حقوق محروم شده‌اند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- احمد فخرالدین، وحید (۱۴۰۲). بررسی حق بر صلح در اسناد حقوق بین‌الملل. هفتمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی، تهران. <https://civilica.com/doc/1707987>
- اسدی، کیهان؛ روحی، عباد، و امامی، فاطمه (۱۴۰۵). حق بر صلح در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معاصر: مبانی نظری، تحولات هنجاری، چالش‌های اجرایی و چشم‌انداز تحقق در نظام حقوقی جهانی، فقه و حقوق نوین. انتشار آنلاین مرداد.
- اشراقی، داریوش (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تاثیر آن بر حاکمیت بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۲): ۴۲.
- امینی‌نیا، عاطفه (۱۳۸۹). جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت. نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۶ (۱): ۱.
- بریسکمن، لیندا (۱۳۹۹). ایجاد تفاهماتی برای صلح، عدالت و حقوق بشر. دوفصلنامه حقوق بشر، ۳۰.
- بزرگمهری، مجید، و خرمی، نازنین (۱۳۹۳). روند حق وتو در شورای امنیت (۱۹۴۶-۲۰۰۹) حفظ صلح و امنیت یا تامین منافع قدرت‌ها. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱ (۱۲): ۱۲.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷). در تکاپوی صلح پایدار. مجله تخصصی الهیات و حقوق (پژوهش‌ها)، ۲۸.
- پوراحمدی، حسین، و مرادی، عبدالله (۱۳۹۷). مبانی اسلامی صلح پایدار در مقایسه تطبیقی با نظریات جریان اصلی در روابط بین‌الملل. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، ۲۷ (۱۲): ۱۲.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر مبانی نظری، تحولات تاریخی و ساز و کارهای اجرایی. مترجم: حسین شریفی طراز کوهی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). ترمینولوژی حقوق. چاپ پانزدهم. تهران: نشر گنج دانش.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۰). دیپلماسی پیامبر (ص). تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- جمشیدی، محمدحسین؛ نجفی، مصطفی، و زبیدی، زینب (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای مقوله صلح پایدار از منظر اسلام و لیبرالیسم اخلاقی (کانتی). مجله سیاست دفاعی، ۲۴ (۹۷): ۹۷.
- حسینی‌نیا، سعید (۱۳۹۰). تحلیل مفهوم و جایگاه حق بر صلح در چارچوب حقوق بین‌الملل معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق.
- حکاک‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۹). صلح جهانی در نظام قانونمند. دانشنامه حقوق و سیاست، ۱۳.
- دیهیمی، خشایار (۱۳۹۷). دانشنامه جنگ و صلح. جلد اول. تهران: نشر صدای معاصر.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۵۹). قدرت، گفتگو و صلح. دوفصلنامه حقوق بشر، ۱۱ (۱): ۱۱.
- شایگان، فریده (۱۳۸۰). شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- صنوبر، حسین (۱۴۰۳). بررسی مفهوم حق بر صلح و تحقق‌پذیری آن با رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق. دهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی.
- عبدالله‌پور، ارسلان؛ نصیری حامد، رضا، و مقصودی، مجتبی (۱۴۰۲). اصول و بنیادهای صلح مثبت؛ طرح دیدگاهی ایجابی از صلح. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۶۳ (۱۹).
- عزیزی، ستار (۱۳۹۳). صلح، عدالت و دموکراسی در جوامع چند قومیتی (متکثر)؛ دموکراسی توافقی با تأکید بر مقایسه تطبیقی کشورهای بوسنی هرزگوین و عراق. دوفصلنامه حقوق بشر، ۱ و ۲.
- علوی‌پور، سیدمحسن، و بحرانی، مرتضی (۱۳۸۸). همبستگی؛ پیوند صلح و دوستی. دوفصلنامه حقوق بشر، ۲ (۸).
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۱). حق، صلح و منزلت انسانی، تاملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی ارزش اخلاقی و بشریت. مجله حقوقی، ۲۶ و ۲۷.
- فولادی مقدم، نگار؛ گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، و آقا محمد آقایی، احسان (۱۴۰۴). نگاه حقوقی به صلح درون به مثابه مقدمه‌ای بر حکمرانی بر زمان. فصلنامه تعالی حقوق، ۱۶ (۲).
- فیروزی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی فقهی حق بر صلح با تأکید بر آیات قرآن کریم. فصلنامه فقه، ۲۸ (۱۰۸).
- فیروزی، مهدی (۱۴۰۴). حق بر صلح: در نظام بین‌الملل حقوق بشر و آموزه‌های اسلامی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قزل بیگلر، مسلم (۱۴۰۱). تحلیل جایگاه حق بر صلح در نظام حقوق بشر. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی. <https://civilica.com/doc/1538005>
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸). طرح فلسفی به سوی صلح ابدی. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر توانا.
- گل باغ، محمد معین، و مرشدی‌زاد، علی (۱۴۰۳). صلح مثبت در چشم‌انداز نظری. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷ (۱).
- محمدی تمنایی، جمیله (۱۳۹۴). مفهوم و جایگاه حق صلح در اسناد بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- مطلب فاند، حیدر؛ سلیمان‌زاده، احمدرضا، و رستم‌زاد، حسین (۱۴۰۳). حق بر صلح در حقوق ایران و لبنان با تمرکز بر رویه حقوق بشر غربی و اسلامی. نشریه آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، ۳ (۱).
- نقیبی مفرد، حسام (۱۳۹۵). صلح، عدالت و دموکراسی در پرتو حکمرانی مطلوب. دوفصلنامه حقوق بشر، ۱۱ (۱).
- نوبهار، رحیم، و صادقی، احمد علی (۱۴۰۳). تحلیل چپستی نسبت میان صلح و عدالت. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۷ (۱۰۸).
- وکیل، امیرساعتد (۱۳۸۳). حقوق بشر صلح و امنیت بین‌المللی. تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- ولچر، لوئیس (۱۳۹۷). صلح و وجود فردی. دوفصلنامه حقوق بشر، ۱۳ (۲).
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۴). برابری، اساس حکومت قانون و صلح. دوفصلنامه حقوق بشر، ۱۹.

منابع غیر فارسی

- Anasarias, E and P. Berliner. (2009). Human Rights and Peacebuilding, in Handbook on Building Cultures of Peace. Rivera, J. D. New York: Springer.
- Chevallier, j, (2003), Letat Postmodern, Paris, L.G.D.J.
- Galtung, J. (1969). Violence, Peace and Peace Research. Journal of Peace Researc, 6 (3), pp. 167-191.
- Kerr, Rachel (2007), Peace through Justice? The international criminal Tribunal for the former Yugoslavia. Southeast European and Black Sea Studies, Volume7, issue3.



- Okafor, Obiora Chinedu. "Revised draft declaration on human rights and international solidarity" (United Nations Human Rights Council, 2023) A/HRC/53/32. <https://docs.un.org/en/A/HRC/53/32>
- Pogodda, Sandra and Richmond, Oliver and Visoka, Gëzim (2023), «Failed Peacemaking: Counter-Peace and International Order», Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4824866>
- Reardon, B. A. (1997). Human Rights as Education for Peace, in Human Rights Education for the Twenty-first Century. Andreopoulos, G. J and R. P Claude. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Richmond, Oliver (2024), «Peace in an Authoritarian International Order Versus Peace in a Liberal International Order», Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4891603> or **Doi:10.2139/ssrn.4891603**
- Scharf, Michel (1999), The Amnesty Exception to the Jurisdiction of the international Criminal Court, cornell international law journal, Volume 32, issue3.